

Challenges of Nomadic Education in Khuzestān: Identification, Categorization, and Developing a Management model

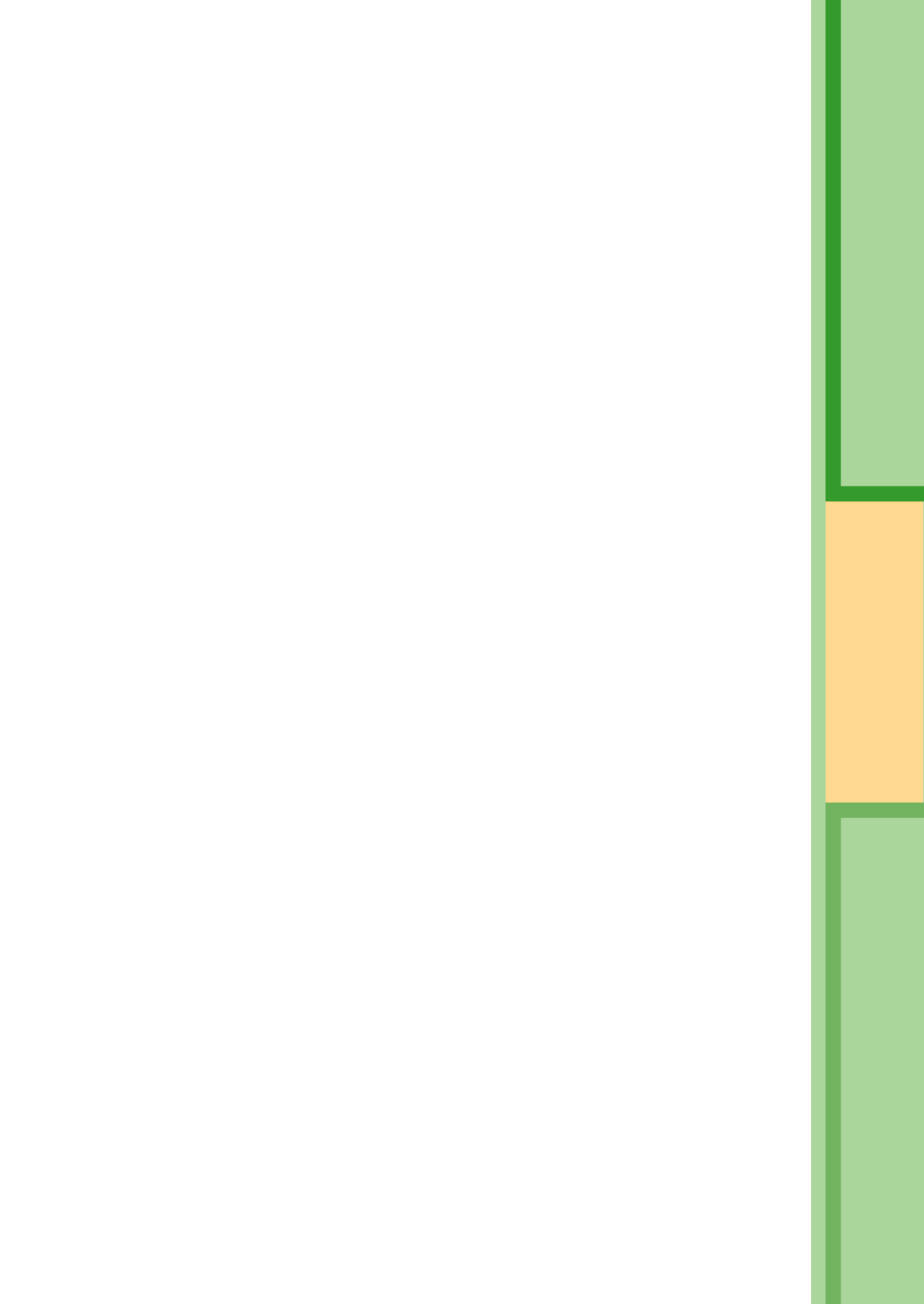
- Me'rāj Jahāngiri, MA Student in Educational Administration, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamrān University of Ahvāz, Ahvāz, Iran.
- Hamid Farhādi Rād (PhD), Associate Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamrān University of Ahvāz, Ahvāz, Iran. (Corresponding Author).
Email: h.farhadirad@scu.ac.ir
- Ghodratollāh Khalife (PhD), Former Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamrān University of Ahvāz, Ahvāz, Iran; and Assistant Professor, Department of Foundations of Education, Faculty of Education and Psychology, Shirāz University, Shirāz, Iran.

Abstract

Providing education to nomadic communities – as one of the three main population groups in Iran – is a fundamental necessity. Primary school education among nomads in Khuzestān Province, a key region of nomadic settlement, faces several challenges that disrupt the educational process. The main objective of the current research was to identify and categorize the challenges of nomad education in Khuzestān province and proposing a model for managing them. Employing a sequential exploratory mixed-methods design, the qualitative phase utilized directed content analysis, while the quantitative phase applied a descriptive-survey approach. For the qualitative phase, the research population was divided into administrative and executive staff. Semi-structured, in-depth interviews were conducted with 16 experts 8 – from each category - who were selected through purposive stratified sampling. The interviews yielded a comprehensive list of educational challenges in Khuzestān's nomadic schools. Using the Pidd model, these challenges were categorized into three types: puzzles, problems, and complexities. In the quantitative phase, a researcher-made questionnaire based on qualitative findings was distributed to 313 stratified randomly selected participants. The collected data were analyzed using SmartPLS version 3 to assess model's fitness. Findings revealed 44 identified challenges, varying in complexity – some easily solvable, while others require high-level decision-making beyond the education system. Ultimately, 20 strategies for managing these challenges were identified and analyzed.

Keywords

Nomadic Education, Nomadic Society, Puzzle, Problem, Complexity



چالش‌های آموزش عشایری خوزستان: شناسایی، دسته‌بندی و تدوین الگویی برای مدیریت آن‌ها

■ معراج جهانگیری* ■ حمید فرهادی راد** ■ قدرت‌الله خلیفه***

چکیده:

آموزش و پرورش جامعه عشایری، به‌منزله یکی از سه جامعه ساکن در کشور، امری ضروری است. آموزش ابتدایی عشایر استان خوزستان به‌منزله یکی از استان‌های محل سکونت عشایر، با چالش‌هایی روبه‌روست که باعث ایجاد اختلال در فرایند آموزش می‌شوند. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و دسته‌بندی چالش‌های آموزش ابتدایی عشایر خوزستان و ارائه الگویی برای مدیریت آن‌ها بود. این مطالعه یک طرح پژوهش آمیخته اکتشافی متوالی است. در بخش کیفی از تحلیل محتوای کیفی و در بخش کمی از روش توصیفی - پیمایشی استفاده شده است. برای نمونه‌گیری، نخست جامعه پژوهش به دو گروه کادر اداری و اجرایی تقسیم شدند و با شانزده نفر از خبرگان این حوزه، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته انجام شد. از آنجا که روش نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای بود، شانزده نفر مشارکت‌کننده به‌صورت تناظر یک‌به‌یک، هشت نفر از دسته ستادی و هشت نفر از دسته اجرایی انتخاب شدند. خروجی مصاحبه‌ها مجموعه‌ای از مشکلات آموزش عشایری استان خوزستان بود که بر اساس الگوی پید، به سه گروه پازل‌ها، مسائل و آشفتگی‌ها دسته‌بندی شدند. سپس در مرحله کمی، بر اساس یافته‌های بخش کیفی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته‌ای تدوین شد و در یک پیمایش توصیفی، برای ۳۱۳ نفر از اعضای نمونه، که به‌صورت تصادفی طبقه‌بندی شده انتخاب شده بودند، ارسال شد. داده‌های این بخش برای برازش الگو با استفاده از نسخه ۳ نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس بررسی شد. بر اساس تحلیل‌ها، تعداد ۴۴ چالش شناسایی شده همه در یک سطح نیستند؛ برخی به‌آسانی قابل حل بوده و برای حل تعدادی از چالش‌ها نیاز به تصمیم‌گیری‌های سطح بالا و در خارج از نظام آموزشی نیاز است. در نهایت ۲۰ راهکار جهت مدیریت این چالش‌ها شناسایی و تحلیل شد.

آموزش عشایری، جامعه عشایری، پازل، مسئله، پیچیدگی

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۴ □ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۲/۳۱

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
 ** (نویسنده مسئول) دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. E-mail: h.farhadirad@scu.ac.ir
 *** استادیار سابق، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران و استادیار، گروه مبانی تعلیم و تربیت، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

مقدمه

زندگی عشایری یکی از اشکال زندگی اجتماعی در ایران است که نقش بسزایی در فعالیت‌های مولد کشور دارد. طبق اطلاعات آخرین سرشماری، عشایر کوچنده ایران در سال ۱۳۹۹، جمعیتی معادل ۱۱۱۵۰۴۱ نفر در قالب ۲۵۱۶۲۴ خانوار هستند که در ۳۱ استان از کشور، به جز استان کردستان، سکونت دارند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۰). با توجه به اهمیت دسترسی و برخورداری از آموزش باکیفیت برای این گروه نسبتاً گسترده در جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های آموزشی متناسبی به نام آموزش و پرورش عشایری تدوین شده است. آموزش و پرورش رسمی دانش‌آموزانی که زندگی عشایری دارند، مطابق اساسنامه آموزش و پرورش عشایری صورت می‌پذیرد. طبق این اساسنامه «دانش‌آموز عشایری» دانش‌آموزی است که در خانواده عشایری زندگی می‌کند و «مدرسه عشایری» مدرسه‌ای است که بیش از ۵۰ درصد آن را دانش‌آموزان عشایری تشکیل می‌دهند و به سه صورت سیار، نیمه‌سیار و ثابت اداره می‌شوند. با توجه به این اساسنامه، گفتنی است که آموزش و پرورش عشایر آموزشی است که در مدارس عشایری به دانش‌آموزان عشایری ارائه می‌شود (اساسنامه مدارس عشایری، ۱۳۹۳).

طبق اصل سی‌ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت مکلف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همهٔ احاد ملت تا پایان دوران متوسطه نظری فراهم کند. مطابق این اصل حقوقی و قانونی، آموزش و پرورش برای جامعه عشایری حقی است که نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد. این اصل علاوه بر مبنای حقوقی، با اصول و نظریه‌های علمی نیز سازگار است؛ زیرا می‌توان گفت آموزش و پرورش نقطه پیوند توسعه و انسان بوده و با آن رابطه تنگاتنگی دارد (ظهرایی، ۱۳۹۴). این موضوع از دیدگاه اخلاقی - حقوقی شایان بررسی است؛ زیرا دسترسی به آموزش پلی برای لذت‌بردن از همه حقوق انسانی است و نادیده‌گرفتن این حقوق به مخاطره انداختن انسانیت است. در این باره رابطه کنوانسیون حقوق بشر می‌گوید: هر فردی حق دسترسی به آموزش را دارد و آموزش باید حداقل در مراحل پایانی و ابتدایی الزامی و رایگان باشد (حیدرزادگان و صندوقداران، ۱۳۹۶). عشایر و دانش‌آموزان آن‌ها از این امر مستثنا نیستند و بر اساس قانون اساسی، باید برای این گروه طوری برنامه‌ریزی شود که علاوه بر حفظ دارایی‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، از قافله علم و فناوری عقب نیفتند. زیربنای این حرکت، بسط فرهنگ و دسترسی عادلانه به کیفیت آموزش و پرورش است (رحیمی پردجانی و همکاران، ۱۳۹۹). همچنین مسئله تحقق و گسترش عدالت آموزشی یکی از اصول اساسی آموزش و پرورش در ایران است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به آن توجه شده است. در این سند، که بر اساس فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی تدوین شده است، تعلیم و تربیت اسلامی به‌منزله مبنای تمامی سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و تولید اسناد تحولی در نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است. مطابق راهکار ۳-۵ این سند، در کنار سایر اقشار جامعه، توانمندسازی دانش‌آموزان عشایر کوچ‌نشین از طریق تأکید بر فراهم کردن فرصت‌های آموزشی متنوع و با کیفیت

مدنظر سیاست‌گذاران قرار گرفته است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). از نظر علمی نیز، به‌ویژه از منظر علم اقتصاد، این مسئله شایان بررسی است. در واقع شکل‌گیری و گسترش آموزش را می‌توان در دیدگاه‌های طرفداران نظریه سرمایه انسانی جست‌وجو کرد. این نظریه بر آموزش به‌منزله اصلی‌ترین عامل توانمندسازی اقتصادی تأکید دارد. طرفداران اولیه نظریه سرمایه انسانی مانند آدام اسمیت انسان تحصیل کرده را ماشینی گران‌قیمت می‌دانستند. آلفرد مارشال تحلیل هزینه و فایده آموزش را بررسی کرد. تئودور شولتز، دنیسون و بیکر سهم آموزش در رشد اقتصادی را بررسی کردند و به‌طور کلی اندیشمندان این حوزه معتقد بودند که آموزش از طریق بهبود مهارت‌های عمومی و تخصصی انجام کار، افزایش توان استفاده از فناوری موجود، تغییر در روش‌های معمول انجام کار و بالابردن توانایی تخصصی دانش‌آموختگان، ظرفیت اشتغال‌پذیری آن‌ها را بالا می‌برد (فرهادی راد و همکاران، ۲۰۲۰).

با وجود ضرورت آموزش عشایر، این سیستم با مسائل و چالش‌هایی روبه‌روست. این چالش‌ها مختص به عشایر کشور ایران نیست و در سایر کشورها نیز این چالش‌ها وجود دارند. مطالعات ازوما (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که فراگیران دام‌پرور به‌دلیل مهاجرت مداوم، کارکنان ضعیف، منابع ناکافی، مبتذل بودن طبیعت و پیروی از هنجارهای سنتی جوامعی که در آن متولد شده‌اند در تحصیلات ابتدایی عقب مانده‌اند. فرایند انتقال دانش آن‌ها در جنبه‌هایی مانند دانش دامداری غیررسمی، مهارت در زیست‌شناسی محاوره و مطالعات محیطی توسط والدین، بزرگان و هم‌سالان منتقل می‌شود (کاکونجه ، ۲۰۰۶)؛ بنابراین آن‌ها دانش و مهارت‌ها را در زمینه‌های آموزش غیررسمی حرفه کسب می‌کنند. این موضوع توضیح می‌دهد که چرا آن‌ها همیشه در این زمینه عقب می‌مانند (آریو و سانگ ، ۲۰۱۷).

همچنین طبق پژوهش آریو و سانگ (۲۰۱۷)، محدودیت‌های اصلی در تأمین آموزش در مناطق دامداری، که در آن مطالعه بررسی شد، عبارت‌اند از: فاصله زیاد از مدارس و تراکم کم جمعیت جذب دانش‌آموزان را در کلاس‌های درس دشوار می‌کند. ناکافی بودن زیرساخت‌های آموزشی، برنامه‌های درسی آموزشی با شیوه‌های زندگی شبانی سازگار نیست. کمبود معلم و غیبت در میان فرزندان گله‌دار، که به‌شدت به کار فراخوانده می‌شوند، نیز از این چالش‌هاست. همچنین آلیا (۲۰۱۹) استدلال کرد که برنامه اولیه آموزش عشایری به‌دلیل بی‌توجهی به سبک زندگی منحصر به فرد مردم عشایر، بی‌ربط بودن برنامه درسی، حذف عوامل معلمان و نیز نادیده گرفتن نمایندگی عشایر در اکثر سطوح برنامه‌ریزی شکست خورد. همچنین تکل و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود می‌گویند: «آموزش و پرورش عشایر با چالش‌های متعددی روبه‌روست. کمبود وقت، کمبود امکانات آموزشی و صعب‌العبور بودن راه‌های ارتباطی از مهم‌ترین این چالش‌هاست. در کشور ایران نیز بر اساس تحقیقاتی که صورت گرفته مسائلی مانند زیادبودن حجم کاری معلم، امکانات و تجهیزات آموزشی ضعیف، دوزبانه بودن دانش‌آموزان و مشکلات تغذیه و بهداشت دانش‌آموزان (بهارى بابادی، ۱۳۹۶)، استفاده معلمان از الگوهای تدریس قدیمی و منسوخ (هواسی‌زاد، ۱۳۹۷)، ناهمخوانی ویژگی‌های سبک زندگی آنان با برنامه درسی مدرسه

(حیدرزادگان و صندوقداران، ۱۳۹۶)، طراحی نظام آموزشی بر اساس دانش آموزان یکجانشین (عبدلی، ۱۳۹۴)، افزایش تعداد کودکان بازمانده از تحصیل و افزایش احتمال وقوع افت تحصیلی و ترک تحصیل (دهقانی، ۱۳۸۶) در مسیر آموزش و پرورش عشایر وجود دارد که نیازمند چاره‌جویی هستند. به‌طور کلی با بررسی ادبیات پژوهش انجام‌شده در زمینه چالش‌های آموزش و پرورش عشایر، می‌توان چالش‌های زیر را شناسایی کرد که هر کدام در نقطه جغرافیایی از عشایری، خود را نشان می‌دهد.

جدول ۱. دسته‌بندی چالش‌های آموزش عشایر

چالش‌های مدیریتی	چالش‌های مربوط به محیط اجتماعی	چالش‌های مربوط به یادگیری دانش آموزش	چالش‌های مربوط به فضای فیزیکی مدرسه
تمرکز منابع در مدارس غیر کوچک‌رو	ضعف اطلاعات و دانش	کمبود وقت برای یادگیری	صعب‌العبور بودن مسیر
تخصیص منابع مالی محدود به مدارس عشایری	همکاری اندک والدین	ضعف اطلاعات و تجربیات معلم	مدارس ثابت نامناسب برای سبک زندگی سیار
مشارکت‌نکردن برخی از نهادها و سازمان‌های دیگر	مشکلات تغذیه و بهداشت دانش‌آموزان	حجم کاری زیاد معلم	ایاب و ذهاب مشکل دانش‌آموزان عشایری
نبود خیرین سازمان‌دهی شده در راستای پشتیبانی لازم	برنامه زمانی نامنظم کوچ	اختلالات یادگیری دانش‌آموزان	تجهیزات مادی و فنی ضعیف
نبود یک سند یا منشور در سطح ملی و استانی	نبود دسترسی به آب آشامیدنی، برق و ...	شیوه‌های تدریس سنتی	مدارس و امکانات آموزشی ناکافی
نبود سیاست‌های تشویقی و حمایتی از مدارس	گسترده فقر و نداری در محیط‌های جامعه عشایری	ترکیب سنی و جنسیتی مختلف	سیار بودن عشایر و دشواری برنامه‌ریزی
نبود سازوکارهای مشخص حمایتی و مالی از مدارس، عشایری	فقدان فرصت‌های متنوع شغلی در عشایری	امکانات و تجهیزات آموزشی نامناسب	فارسودگی وسایل و تجهیزات آموزشی
سهم خواهی برخی از مدیران مدارس ابتدایی	بالا بردن هزینه‌های فرصت شغلی به آموزش	برنامه آموزشی نامتناسب با زندگی عشایر	پراکندگی مدارس
ضعف برنامه جامع سازمان‌دهی و رهبری مدارس عشایری	فقر و بیکاری برخی از والدین	چند پایه بودن کلاس‌های درسی	نبود امکانات رفاهی مناسب برای معلمان
بالا بودن هزینه سرائه مدارس عشایری	تعارض بین فرهنگ سنتی و مدرنیسم در عشایر	کمبود نیروی انسانی و معلم	
مدیریت نادرست تخصیص و مصرف منابع مالی	پایین بودن سرائه استفاده فناوری در جامعه عشایر	غیبت‌های متعدد	

جدول ۱. (ادامه)

چالش‌های مدیریتی	چالش‌های مربوط به محیط اجتماعی	چالش‌های مربوط به یادگیری دانش آموزش	چالش‌های مربوط به فضای فیزیکی مدرسه
کم‌توجهی به پیوند آموزش و اقتصاد عشایر	نرخ مهاجرت بالا به مراکز شهری	آموزش غیررسمی بسیار قوی	
فقدان چهارچوب نظارتی حاکم بر مدرسه عشایری	سواد اندک برای مواجهه با مسائل کودکان با نیازهای ویژه		
	نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی		
	مبتذل بودن طبیعت		
	پیروی از هنجارهای سنتی		
	اشتغال کودکان به پرورش دام		

با مدیریت صحیح این چالش‌ها، می‌توان علاوه بر جلوگیری از بروز مشکلات، موجب بازدهی اقتصادی بیشتر، بیشتر کردن تحرک اجتماعی، کاهش نابرابری اجتماعی و دوام جامعه شد. بر همین اساس کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، درصد فراهم کردن فرصت‌های برابر دسترسی همگان به نظام آموزشی با کیفیت بالا هستند (علاقه‌بند، ۱۳۹۴). با توجه به اینکه استان خوزستان به‌منزله یکی از استان‌های اسکان عشایر، حدود ۱۲ درصد از جمعیت عشایری کشور را در خود جای داده است و دارای دو ایل بختیاری و بهمئی است که در چهارده شهر استان خوزستان ساکن می‌شوند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۴۰۰). از طرفی با توجه به اینکه مسئولان و طراحان برنامه‌های اصلاحی آموزش و پرورش در جهان مترقی بر این باورند که اصلاح کمی و کیفی آموزش و پرورش باید از نقاط پایین‌تر تحصیلی آغاز شود تا بتوان شرایط تحولات را برای مقاطع بالاتر مهیا ساخت، اصلاحات مناسب باید از قاعده هرم آموزشی، یعنی از سطح آموزش قبل از دبستان و تعلیمات ابتدایی، شروع شود تا بتوان آن را به‌صورت فرایندی فراگیر به سطوح بالای آموزش هدایت کرد (آقازاده، ۱۳۸۷). گفتنی است به مسئله آموزش عشایر در ابعاد گسترده‌تر زندگی جمعی عشایر نیز توجه شده و تلاش‌های درخور توجهی در این زمینه و مشخصاً به‌منظور سامان‌دهی عشایر انجام شده است. در این خصوص، می‌توان به آیین‌نامه اسکان عشایر در سال ۱۳۸۴ که با هدف حمایت از عشایر و اسکان و سامان‌دهی عشایر کوچنده تدوین شده بود اشاره کرد. آموزش عشایری بخش مهمی از آموزش و پرورش ایران و استان خوزستان است. برای توجه ویژه به این بخش، مبانی حقوقی و قانونی مفصلی وضع شده‌اند که در علم اقتصاد، حقوق و علوم اجتماعی ریشه دارند. همچنین در پژوهش‌ها نشان داده شده است که مسائل و مشکلاتی در این حوزه وجود دارد که نیازمند بررسی و شناسایی هستند؛ اما مسئله مهم دیگر این است که سطح پیچیدگی این مسائل

یکسان نیست و برای مدیریت بهینه آن‌ها لازم است بدانیم که یک مسئله در چه سطحی از آشفتگی است؛ بنابراین مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که بر اساس یک پژوهش میدانی، مسائل و مشکلات آموزش عشایر کوچنده استان خوزستان شناسایی و بر اساس میزان پیچیدگی دسته‌بندی شوند و در نهایت راهبردهایی برای حل مسائل و چالش‌های آن ارائه شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، در دسته تحقیقات کاربردی - نظری قرار می‌گیرد. از آن روی که هدف، ارائه الگویی برای مدیریت چالش‌های آموزش عشایر خوزستان است، این الگو می‌تواند به صورت عملی و کاربردی به مدیران آموزشی عشایر خوزستان در راستای مدیریت چالش‌های این حوزه کمک کند (کاربردی). همچنین این پژوهش می‌تواند موجب گسترش نظری مدیریت آموزشی در حیطه آموزش عشایر و چالش‌های آن شود (نظری). پژوهش حاضر با رویکرد آمیخته انجام شد؛ زیرا زمانی که یک طرح کیفی را می‌توان با داده‌های کمی تقویت کرد، رویکرد آمیخته مناسب‌تر خواهد بود (کرسول و پلانوکلاک، ۲۰۱۱). پژوهش آمیخته طبق طرح‌های مختلفی صورت می‌گیرد که با توجه به اهداف این پژوهش، طرح اکتشافی بهترین طرح ممکن خواهد بود؛ زیرا از این طرح می‌توان زمانی استفاده کرد که پژوهشگر بخواهد نتایج مطالعه خود را به گروه‌های دیگر تعمیم دهد و میزان برازش آن را در گروه‌های وسیع‌تر بررسی کند. طرح اکتشافی معمولاً به سه الگو انجام می‌شود: ۱. الگوی تدوین ابزار؛ ۲. الگوی تدوین طبقه‌بندی؛ ۳. الگوی ساخت متغیر مستقل. در این پژوهش، با توجه به اینکه هدف تدوین الگویی جدید و ارزیابی آن در گروه‌های بزرگ‌تر بود، پژوهش طبق الگوی تدوین طبقه‌بندی انجام شد.

در بخش اول پژوهش، یعنی بخش کیفی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. روش تحلیل محتوای کیفی به عنوان یک روش را می‌توان در همه شکل‌های ارتباطات استفاده کرد. کتاب، مجله، شعر، روزنامه، آواز، نقاشی، سخنرانی، عکس و اجزای وابسته به آن‌ها (مؤمنی‌راد و همکاران، ۱۳۹۲) و تصاویر، مصاحبه‌ها، گفت‌وگو و لوح‌ها (ماکسول، ۲۰۱۲)، از جمله منابعی هستند که می‌توان آن‌ها را با روش تحلیل محتوا بررسی کرد؛ بنابراین مطابق طرح پژوهش، ابتدا داده‌های کیفی گردآوری شدند و با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، چالش‌ها و مشکلات موجود شناسایی شدند. در بخش دوم نیز، که با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی انجام شد، از مقوله‌های به دست آمده در مرحله اول، برای تدوین سؤالات پرسش‌نامه استفاده شد و با ارائه پرسش‌نامه به نمونه‌های بزرگ‌تر برازش دسته‌بندی انجام شد و عوامل آن، بر اساس روش‌های آماری، مانند بررسی روایی افتراقی یا تفکیکی از طریق تفسیر ماتریس فورنل و لارکر و بررسی قدرت پیش‌بینی نظریه و سایر روش‌های آماری تعیین برازش، بررسی شد.

جامعه پژوهش را معلمان مدارس ابتدایی عشایر استان خوزستان، مدیر آموزگاران مدارس ابتدایی عشایر استان خوزستان و راهبران آموزشی عشایر استان خوزستان و سرپرستان آموزش و پرورش عشایر

استان خوزستان و مسئولان مدیریتی آموزش و پرورش عشایر استان خوزستان تشکیل می‌دهند که در دو دسته، به شرح زیر قرار گرفتند:

۱. مجریان شامل معلمان، مدیران و مدیر آموزش‌گاران؛
 ۲. ستاد شامل راهبران آموزشی، سرپرستان و مسئولان اداره آموزش و پرورش عشایر استان خوزستان.
- روش نمونه‌گیری در مرحله کیفی، روش غیراحتمالی - هدفمند بود. وقتی پژوهشگر به دلیل دو یا چندبخشی بودن جامعه پژوهش با دو یا چند دسته از مشارکت‌کنندگان مواجه می‌شود، از نمونه‌گیری هدفمند طبقه‌ای استفاده می‌کند. برای مثال اگر اعضای یک جامعه پژوهش از جایگاه اقتصادی متفاوتی برخوردارند با توجه به پدیده تحت بررسی ممکن است به سه گروه متمول، متوسط و فقیر طبقه‌بندی شوند (پاتون، ۲۰۱۴) و سپس نمونه‌ها از میان این طبقات انتخاب شوند؛ بنابراین مشارکت‌کنندگان به روش نمونه‌گیری «هدفمند طبقه» انتخاب شدند. به‌طور کلی در این پژوهش، ۲۳ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد که دو مورد از مصاحبه‌ها، ارزشمندی لازم برای تحلیل را نداشتند و چهار مورد دیگر به نظر پژوهشگر در محدوده اشباع نظری بوده و حاوی اطلاعات جدیدی نبودند. درنهایت شانزده مصاحبه تحلیل شد که به‌صورت تناظر یک‌به‌یک از بین مجریان و اعضای ستادی انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در مرحله کمی پژوهش، به‌صورت احتمالی و با روش طبقه‌ای انجام شد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان، با توجه به جامعه آماری ۱۷۰۰ نفره آموزش و پرورش ابتدایی عشایر خوزستان، ۳۱۳ نفر تعیین شد. با توجه به اینکه ۸۵ نفر از ۱۷۰۰ نفر اعضای جامعه آماری را کادر اداری تشکیل می‌دهد، درنتیجه ۵ درصد از اعضای نمونه را کادر اداری تشکیل می‌دهد که برابر با ۱۵ نفر است. درنتیجه تعداد اعضای نمونه کادر اجرایی برابر با ۲۹۸ نفر است که پس از نمونه‌گیری تصادفی، اطلاعات جمعیت‌شناختی آن‌ها، به شرح زیر است:

جدول ۲. اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه کمی

کادر اداری				کادر آموزشی اجرایی			
زن		مرد		زن		مرد	
دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	کارشناسی ارشد	کارشناسی	کارشناسی ارشد
۰	۱	۴	۰	۲	۲	۵	۰
۵		۱۰		۶۵		۲۳۳	

روش گردآوری داده‌های کیفی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود و پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه تبدیل به متن شده و وارد نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری نظری انجام شد. کدگذاری نظری طی سه مرحله انجام شد: ۱. کدگذاری باز؛ ۲. کدگذاری محوری؛ ۳. کدگذاری گزینشی. نخست در کدگذاری باز، جملات مشارکت‌کنندگان تا به صورت اولیه انتزاع یافتند و تلخیص شدند. از آنجاکه استخراج چالش‌های اساسی آموزش عشایری مدنظر بود، کدهای محوری به محور چالش‌ها تبدیل شد و در نهایت کد گزینشی یا مقوله محوری، الگوی نهایی پژوهش یعنی چالش‌های آموزش عشایر به‌منزله مسئله‌ای چندسطحی و قابل مدیریت، تدوین شد. برای تعیین قابلیت اعتبار الگوی به‌دست‌آمده از روش‌های سه‌سویه‌سازی منابع تأییدگر، از جمله همسوسازی داده‌ها، خودبازبینی محقق، کنترل اعضا (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۸) و جهت‌دهی نظری استفاده شد. در همسوسازی داده‌ها، داده‌های کافی از منابع چندگانه - اعم از دیدگاه مشارکت‌کنندگان، پیشینه نظری و پژوهشی و یافته‌های محققان - جمع‌آوری و کنترل شدند. در روش خودبازبینی محقق نیز فرایند و نتایج تحلیل به‌طور مستمر و مداوم به‌دست محقق بازنگری شد.

در روش کنترل اعضا نیز محقق با ارائه تحلیل‌های داده و نتایج به مشارکت‌کنندگان، از واکنش‌های آنان درباره یافته‌ها آگاهی یافت. در جهت‌دهی نظری نیز در جریان تحلیل داده‌ها، تا آنجا که امکان داشت، با استفاده از مبانی نظری به جهت‌دهی یافته‌ها پرداخته شد که در نهایت همه این اقدامات، به افزایش قابلیت اعتبار منجر شد. قابلیت تأیید پژوهش نیز در این پژوهش با واضح کردن روند انجام پژوهش، جدول‌ها، کدگذاری، روند تحلیل مضمون و همچنین بازبینی‌های دقیق و چندباره داده‌ها و تفسیر یافته‌های حاصل‌شده، انجام شد.

بر اساس یافته‌های بخش کیفی، پرسش‌نامه‌ای تدوین شد که پس از بررسی روایی صوری به‌دست استادان و نخبگان و صاحب‌نظران، اصلاحات لازم در آن صورت گرفت و پرسش‌نامه نهایی با ۴۴ گویه تدوین شد. هرکدام از گویه‌ها به یکی از چالش‌های آموزش ابتدایی عشایر خوزستان مربوط بوده که برای هر یک، پاسخ‌دهنده باید به دو پرسش پاسخ می‌داد. پرسش اول در مورد میزان تأثیر چالش بوده که بر اساس طیف لیکرت، چهار گزینه بسیار کم، کم، زیاد، خیلی زیاد، پاسخ‌دهندگان به آن پاسخ دادند. پرسش دوم میزان پیچیدگی چالش برای حل شدن آن بر اساس سه گزینه ساده، متعادل، پیچیده بوده که در راستای دسته‌بندی چالش‌ها ارزیابی شد. روایی پرسش‌نامه محقق‌ساخته در دو بخش انجام شد. در بخش اول، از طریق اعمال نظر متخصصان، روایی صوری بررسی شد و در بخش دوم، ابتدا شاخص CVR، یعنی نسبت روایی محتوایی لاوشه، محاسبه شد که پس از حذف سؤالات نامناسب، مقدار آن ۰/۸۸ آمد. سپس شاخص CVI، که در آن متخصصان «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر گویه از ابزار را بر اساس یک طیف لیکرتی چهار قسمتی مشخص می‌کنند، محاسبه شد. این مقدار معادل ۰/۸۶ بود که بعد از حذف سؤالات دارای مقدار کمتر ۰/۷۹ حاصل شد. پایایی ابزار از طریق آزمون آلفای

کرونباخ بررسی شد که مقدار آلفای کرونباخ سنجیده شده برای همه قسمت‌های پرسش‌نامه، بالاتر از ۰/۷ بوده که مقدار مطلوبی است. کل فرایند تجزیه و تحلیل داده‌های کمی در این پژوهش در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس ۳ انجام شد. بررسی برازش الگوی به‌دست‌آمده، طبق داده‌های کمی، در دو مرحله انجام شد:

الف) برازش الگوهای اندازه‌گیری: برای این هدف، از چهار شاخص استفاده شد: ۱. بارهای عاملی (برای هر سؤال بالای ۰/۴ باشد)؛ ۲. ضریب آلفای کرونباخ (برای هر متغیر بالاتر از ۰/۷ باشد)؛ ۳. ضریب پایایی اشتراکی (بالای ۰/۷ باشد)؛ ۴. میانگین واریانس استخراج شده (بالای ۰/۵ باشد).

ب) برازش الگوی ساختاری: برای این هدف از سه ابزار استفاده شد: ۱. آماره t -value (بارهای عاملی همه گویه‌ها باید بالاتر از ۱/۹۶ باشد)؛ ۲. بررسی روایی افتراقی یا تفکیکی از طریق تفسیر ماتریس فورنل و لارکر؛ ۳. بررسی قدرت پیش‌بینی از طریق دستور چشم‌پوشی در محیط نرم‌افزار و در نهایت از طریق به‌دست‌آوردن همه این مقادیر، میزان برازش عوامل علی شناسایی شده به‌دست آمد.

■ یافته‌های پژوهش

برای تحقق هدف اول پژوهش، یعنی شناسایی چالش‌های آموزش عشایری استان خوزستان، مطابق طرح کلی پژوهش، متن مصاحبه‌ها به‌صورت فایل متنی تهیه و سپس کدگذاری شدند. در مرحله اول، تعداد ۱۵۹ کد باز شناسایی شد که ضرورت داشت این کدها بر اساس شاخص‌های مختلف از جمله قرابت معنایی دسته‌بندی شوند و به عبارتی، کدهای محوری شناسایی شوند. بر این اساس، تعداد کدهای آزاد به ۶۶ کد محوری به شرح جدول ۳ تقلیل یافت. در واقع سؤال اول پژوهش، که به شرح زیر بود، بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده به شرح جدول ۳ پاسخ داده شد.

جدول ۳. چالش‌های آموزش ابتدایی عشایر خوزستان

کلاس چندپایه	ناهماهنگی تقویم و محتوای آموزش	استفاده ناکارآمد از فناوری	ترک تحصیل	کمبود نیروی انسانی
شرایط زیستی نامناسب	اساس نامۀ ضعیف آموزش عشایر	کم شدن اموال مدارس	کیفیت پایین یادگیری	انگیزه پایین نیروی انسانی
تنوع فرهنگی عشایر	مسئله پایبندی معلم	مشکلات تردد و رفاه معلمان	کاهش درصد قبولی	انگیزه پایین دانش‌آموزان

جدول ۳. (ادامه)

نقض حقوق کودکان	کمبود اشتغال و صنعت در شهرهای اطراف	شیوع بیماری‌ها	نگاه حاشیه به آموزش عشایر	گسترده‌گی اسکان و آموزش عشایر
افت تحصیلی	تورم	سیستم آموزشی متمرکز	محدودیت منابع مالی	تأثیر گذاری متغیرهای برون‌سازمانی
بزهکاری دانش‌آموز	آشفته‌گی محیط عشایری	زمان آموزش محدود	کوچ بین استانی	کم‌توجهی به آموزش عشایری از طرف رسانه و جامعه
مهاجرت عشایر به شهر	گسترده‌گی وظایف مدیران	تنوع دانش‌آموزان	محدودیت امکانات و فضای مدرسه	آماده‌نبودن معلمان برای کار در ساختار آموزش عشایر
فاصله طبقاتی	تعارضات درون‌سازمانی	ضعف در سنجش	فضای فیزیکی نامناسب مدارس	ضعف‌های کادر اداری و مدیران
اجرائشدن برنامه‌های آموزشی	تعارض با متغیرهای برون‌سازمانی	کوتاهی سازمان مرکزی	محدودیت سواد اولیا	تعارض قانون در انتخاب مدیران

برای تحقق هدف دوم، یعنی دسته‌بندی چالش‌ها، لازم بود کدهای محوری شناسایی شده مطابق الگویی نظری تفکیک شوند؛ بنابراین چالش‌ها بر اساس الگوی مایکل پید (۲۰۰۹)، در سه یا سه سطح پازل‌ها، مسائل و آشفتگی‌ها دسته‌بندی شدند.

♦ **پازل‌ها:** وضعیت‌هایی هستند که در آن‌ها آنچه باید انجام شود و چگونگی انجام آن واضح و روشن است.

♦ **مسائل:** مسائل دربرگیرنده وضعیت‌هایی هستند که آنچه باید انجام شود مشخص و معلوم است؛ اما چگونگی حل آن کاملاً واضح نیست؛ بنابراین مسئله خوب تعریف شده یا به عبارت دیگر، «ساختارمند» برای یافتن جواب بهینه قابل قبول، نیازمند نبوغ، ابتکار و تخصص است. مسائل از پازل‌ها سخت‌تر و بغرنج‌ترند؛ اما به نسبت آشفتگی‌ها پیچیدگی کمتری دارند.

♦ **آشفته‌گی:** وضعیتی است که در آن درباره اینکه چه چیزهایی را باید انجام داد و چرا، توافقی وجود ندارد؛ بنابراین امکان تعیین نحوه انجام آن ممکن نیست.

درهم‌آشفته‌گی مجموعه‌شرایطی است درنهایت ابهام که ممکن است به نبود توافق کامل بینجامد. مطابق آنچه در شکل ۱ ارائه شده است، چالش‌ها بر اساس ارزیابی و اظهارنظر نمونه آماری در بخش کمی پژوهش، به سه دسته تقسیم شدند.

آشفتگی‌ها

- گستردگی اسکان و آموزش عشایر استان
- نبود اشتغال و صنعت در شهرهای اطراف
- کوچ بین استانی
- تنوع فرهنگی میان عشایر
- محدودیت سواد اولیا در خانواده‌های عشایری
- غیرقابل پیش‌بینی بودن شرایط محیطی
- در عشایر
- شرایط جوی و صعب‌العبور بودن مناطق عشایری
- فاصله طبقاتی اقتصادی عشایر با قشر شهرنشین جامعه
- نگاه حاشیه‌ای دولت به آموزش عشایر
- وجود کلاس‌های چندپایه‌ای
- تورم بالا و تأثیر آن بر معلمان و عشایر در مقایسه با قشر شهرنشین جامعه
- شیوع بیش از حد بیماری‌ها در مقایسه با دانش‌آموزان شهرنشین
- تنوع فرهنگی محیطی دانش‌آموزان عشایری
- افت تحصیلی دانش‌آموزان
- اجرانشدن برنامه‌های آموزشی، شامل محتوای درسی و آزمایش‌ها و...

مسائل

- بی‌توجهی به آموزش عشایری از طرف رسانه و جامعه
- نقض حقوق کودکان مثل کودکان کار و ...
- تسلط نداشتن نیروی انسانی بر فناوری
- ضعف در سازمان مرکزی و اداره کل
- تمرکز ساختاری آموزش عشایری
- زمان آموزش محدود
- تعداد محدود مدارس مستقل
- پایبند نبودن بعضی معلمان به آموزش و دانش‌آموزان عشایری
- بی‌انگیزگی نیروی انسانی
- کمبود نیروی انسانی
- تعارض با متغیرهای برون‌سازمانی مثل خانواده‌ها و سایر نهادها
- تعارضات درون‌سازمانی میان متصدیان امور اداری و اجرایی
- ترک تحصیل دانش‌آموزان
- ناکارآمدی متصدیان امور اداری و مدیران
- بزهکاری دانش‌آموزان
- ناهماهنگی تقویم و محتوای آموزشی
- تأثیرگذاری متغیرهای برون‌سازمانی مثل نهادهای دیگر
- محدودیت منابع مالی

پازل‌ها

- کاهش اموال مدارس
- اساس نامهٔ ضعیف آموزش عشایر
- تعارض قانون در انتخاب مدیران (انتخابی - انتصابی)
- ضعف در سنجش سازمان آموزش استثنایی
- مشکلات تردد و رفاه معلمان
- گستردگی وظایف و حیطهٔ نظارت مدیران
- نبود تناسب میان نحوهٔ تعلیم و بازآموزی معلمان با ساختار آموزش عشایر
- عدم تجهیز مدارس توسط سازمان نوسازی
- بی‌انگیزگی تحصیلی دانش‌آموزان
- آموزش سطح پایین و بی‌کیفیت

شکل ۱. دسته‌بندی چالش‌ها بر اساس الگوی پید

سؤال بعدی این بود که آیا دسته‌بندی چالش‌های آموزش عشایری خوزستان در سه دستهٔ پازل‌ها، مسائل و آشفتگی‌ها دارای پایداری و ثبات لازم است؟ مطابق جدول‌های ۴ و ۵ برای پاسخ به این سؤال از آزمون خی‌دو و آلفای کرونباخ استفاده شد. مرحلهٔ اول: نتایج آزمون خی‌دو برای همهٔ موارد دسته‌بندی‌شده کمتر از ۰/۵ شد؛ بنابراین می‌توان گفت دسته‌بندی دارای پایایی مناسب است.

جدول ۴. آلفای کرونباخ

آلفای کرونباخ	آلفارو	قابلیت اطمینان ترکیبی	میانگین واریانس استخراج‌شده
۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۵۱
کلی			

مرحلهٔ دوم: بررسی آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج‌شده بود. مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی باید بیشتر از ۰/۷ باشد و مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده نیز باید

بیشتر از ۰/۵ باشد تا مشخص شود که دسته‌بندی چالش‌ها از پایایی مناسبی برخوردار است. با توجه به خروجی داده‌شده، نتیجه‌گیری می‌شود که به‌صورت کلی این دسته‌بندی دارای روایی و برازش درونی و روایی همگراست.

جدول ۵. دسته‌بندی قابلیت اطمینان

آلفای کرونباخ	آلفا رو	قابلیت اطمینان ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده (AVE)
۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۸۶	۰/۵۶
۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۴	۰/۵۲
۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۶

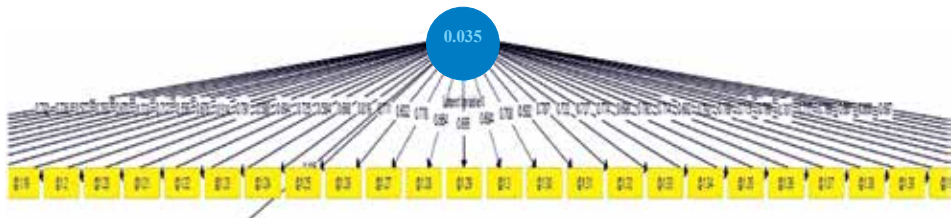
هدف دیگر این پژوهش این بود که برای مدیریت چالش‌های شناسایی‌شده راهکارهایی ارائه کند. براین اساس، پس از کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها راهبردهای مندرج در جدول (۶) به‌منزله راهکارهای نهایی مدیریت چالش‌ها شناسایی و ارائه شدند. راهبردها بخش اصلی الگوی مدیریت چالش‌ها بودند که تصور می‌شود از طریق آن‌ها، آشفتگی‌ها به مسائل و درنهایت پازل تبدیل شوند. به‌عبارتی، از پیچیدگی چالش‌ها بر اساس راهکارهای ارائه‌شده کاسته شود و گامی در راستای حل آن‌ها باشد. براین اساس، جدول ۶ تدوین شد.

جدول ۶. راهکارهای مدیریت چالش‌های آموزش عشایری

اهتمام به حل مسائل مالی نیروی انسانی	کاهش مسئولیت‌های معلمان	اصلاح شیوه‌های تعیین مدیر و راهبر	تقویت ارتباط آموزش عشایر با سایر نهادها	توجه به مقوله دشوار فرهنگ
تقویت امکانات رفاهی آموزشی	عزم دولت و رفع چالش‌های آموزش عشایر	اصلاح شیوه سنجش ابتدایی	اصلاح شیوه‌های تربیت معلمان عشایر	تقویت انگیزه دانش‌آموزان
غنی‌سازی تخصص مدیران	شهرک‌سازی	نظارت علمی بر فرایند آموزش	بهینه‌سازی مدیریت منابع اقتصادی	به‌روزرسانی و پیگیری اساس‌نامه‌های عشایری
اهتمام بر انتخاب الگویی برای حل مسئله برق	متناسب‌سازی آموزش و زندگی عشایری	تعیین سرانه خاص آموزش عشایر	بستر الکترونیکی انجام امور اداری	بازدید از آزمایشگاه‌های مدارس مجهز

● برازش الگوی اندازه‌گیری

پس از اطمینان نسبی از روایی محتوا، که قبل از اجرای نهایی پرسش‌نامه اندازه‌گیری شده بود، در مرحله نهایی به منظور اطمینان بیشتر برازش الگوی اندازه‌گیری انجام می‌شود. به همین منظور، پاسخ‌های نمونه آماری بخش کمی پژوهش در نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس ثبت شد و بارهای عاملی بخش اول مطابق شکل ۲ به دست آمد:



شکل ۲. بارهای عاملی چالش‌های شناسایی شده

با توجه به مقدار بار عاملی سؤالات پرسش‌نامه، که در شکل ۲ نمایش داده شده است، همه سؤالات از بار عاملی مطلوب، یعنی بالاتر از $0/4$ ، برخوردارند و از این منظر دارای نیکویی هستند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ، ضریب پایایی اشتراکی و میانگین واریانس استخراج‌شده به شرح جدول ۷ است:

جدول ۷. مقادیر آلفای کرونباخ برای طبقه‌بندی چالش‌ها

آلفای کرونباخ	آفارو	قابلیت اطمینان ترکیبی	میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)	
۰/۹۴	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۶۲	بازل‌ها
۰/۹۳	۰/۹۶	۰/۹۲	۰/۵۲	مسائل
۰/۸۹	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۵۳	آشفتگی‌ها
۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۶۲	راهکارها

با توجه به داده‌های جدول ۷، ضریب آلفای کرونباخ همه موارد بالاتر از $0/7$ است و همچنین میانگین واریانس استخراج‌شده همه موارد نیز از $0/5$ بیشتر است و پایایی اشتراکی نیز از $0/7$ بیشتر است؛ بنابراین با توجه به ضرایب، الگوی اندازه‌گیری از برازش مطلوب برخوردار است.

● برازش الگوی ساختاری

در ادامه اطمینان از اینکه آیا دسته‌بندی چالش‌ها به‌درستی انجام شده، نیازمند بررسی برازش ساختاری بود. در ادامه نتایج این بررسی در سه بخش و در جدول‌های ۸ تا ۱۰ ارائه شده است.

الف) مقدار تی:

جدول ۸. مقدار تی برای انواع چالش‌ها

نمونه	میانگین نمونه	انحراف استاندارد	آماره T	ارزش P	
۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۱	۴/۳۱	۰/۰۰	پازل‌ها ← راهکارها
۰/۱۱	-۰/۱۱	۰/۰۵	۲/۳۵	۰/۰۲	مسائل ← راهکارها
۰/۶۳	۰/۶۴	۰/۱۳	۴/۹۴	۰/۰۰	آشفته‌گی‌ها ← راهکارها

با توجه به مقادیر مندرج در جدول ۸، مقدار t در همه موارد بالاتر از ۱/۹۶ است که مقداری مطلوب است و دارای نیکویی است.

ب) روایی افتراقی یا تفکیکی از طریق تفسیر ماتریس فورنل و لارکر:

ماتریس فورنل و لارکر خروجی نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس از داده‌های وارد شده به نرم‌افزار به شرح جدول ۹ است:

جدول ۹. روایی افتراقی چالش‌ها به روش فورنل و لارکر

پازل‌ها	مسائل	آشفته‌گی‌ها	راهکارها	
۰/۷۹				پازل‌ها
۰/۷۴	۰/۷۶			مسائل
۰/۷۳	۰/۷۵	۰/۷۷		آشفته‌گی‌ها
۰/۷۲	۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۷۹	راهکارها

روایی افتراقی ماتریس فورنل و لارکر به شرطی تأیید می‌شود که بالاترین عدد هر ستون، از اعداد زیر خود و اعداد سمت چپ خود در همان ردیف بیشتر باشد. با توجه به ماتریس ارائه‌شده، همه اعدادی

که در بالاترین ردیف قرار دارند، از همه اعداد همان ستون و اعداد سمت چپشان در آن ردیف بیشترند. در نتیجه، از نظر روایی افتراقی نیز الگوی تدوین شده دارای نکویی است.

پ) بررسی قدرت پیش‌بینی از طریق دستور چشم‌پوشی در محیط نرم‌افزار:

جدول خروجی از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس برای بررسی قدرت پیش‌بینی الگوی ساختاری تدوین شده به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰. جدول قدرت پیش‌بینی الگو

روایی مقاطع افزونگی	مجموع توان دوم خطاها	مجموع مجذورات مشاهده‌ها	
۰/۵۵	۱۸۷۱/۵۴	۴۲۰۰	بازل‌ها
۰/۳۹	۲۱۹۹/۱۷	۳۶۰۰	مسائل
۰/۴۳	۱۵۲۵/۶۶	۲۷۰۰	آشفتگی‌ها
۰/۵۱	۱۱۷۷/۳۰	۲۴۰۰	راهکارها

بر اساس مقدار Q^2 ، می‌توان در مورد الگو و برازش آن نظر داد. مقادیر منفی پذیرفتنی نیست و باید مقادیر مثبت باشد. شاخص Q^2 مثبت و بزرگ نشان‌دهنده قابلیت بالای پیش‌بینی الگو و مقادیر منفی بیانگر تخمین بسیار ضعیف متغیر پنهان است. با توجه به مقادیر Q^2 ارائه شده، برازش الگوی ساختاری از منظر قدرت پیش‌بینی و تعمیم به جامعه تأیید می‌شود.

■ بحث و نتیجه‌گیری ■

مدیریت چالش‌های آموزش عشایری فرایندی پیچیده است که مستلزم گام‌های مختلفی است. در نخستین گام لازم است ابتدا چالش‌ها شناسایی و دسته‌بندی شوند. دسته‌بندی چالش‌ها به‌خودی‌خود ارزشمند است؛ اما مادامی‌که به نشانگانی برای شناسایی راه‌حل مشکلات آموزش عشایری منجر نشوند، ارزش‌های بالقوه آن‌ها بالفعل نمی‌شود؛ بنابراین چالش‌های شناسایی شده بر اساس الگوی پید (۲۰۰۹) دسته‌بندی شدند و راه‌حل‌هایی برای مدیریت آن‌ها شناسایی و برازش شد. به‌اختصار گفتنی است مدیریت مطلوب چالش‌ها باید تلاش خود را بر این موضوع متمرکز کند که چالش‌های ساده را حل و پیچیدگی‌های موجود در این‌باره را به مسائل

ساده و در نهایت مسائل حل‌شدنی تبدیل کند. در فرایند پژوهش حاضر، چالش‌های شناسایی‌شده در قالب سه دسته پازل، مسائل و آشفتگی‌ها در ادامه ارائه و تبیین خواهد شد.

۱. پازل‌ها

در این پژوهش، مطابق آنچه مشاهده شد، چالش‌های زیر در دسته پازل‌ها قرار دارند: کم‌شدن اموال مدارس، اساس‌نامه ضعیف آموزش عشایر، بهینه‌سازی مقررات انتخاب و انتصاب مدیران آموزش عشایری، سنجش و پایش دقیق دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، مشکلات تردد و رفاه معلمان، حوزه وظیفه گسترده مدیران، تناسب ناکافی آموزش‌ها با ساختار آموزش عشایری، همکاری ناکافی سازمان نوسازی با تجهیز مدارس عشایری و کیفیت و انگیزه یادگیری دانش‌آموزان عشایری. اطلاعات جدول‌های ۸ تا ۱۰ نیز نشان می‌دهد که الگوی دسته‌بندی چالش‌ها برآزش مطلوبی داشته است. آنچه در این فهرست مشاهده می‌شود، بیانگر این است که ماهیتاً این چالش‌ها ساده هستند یا راه‌حل‌های ساده‌ای دارند. برای مثال کم‌شدن اموال مدرسه، گرچه هم از نظر تربیتی و هم از نظر اقتصادی اهمیت بسزایی دارند، اما مسئله بغرنجی نیست که بنیادهای آموزش را به چالش بکشد. با ورود به یک کلاس به سرعت منظره در بدون دستگیره، درهای زواردررفته، دیوارهای مملو از نوشته‌های گوناگون و صندلی‌های شکسته به استقبال فرد می‌آیند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). حفظ و حراست از این امکانات مستلزم نیروی انسانی لازم است که در آموزش عشایری، با توجه به محدودیت جامعه آموزش، می‌توان آن را به خود مردم واگذار کرد. در این راستا، ضمن افزایش تعهد جمعی، تجهیزات و امکانات مدارس نیز حفظ خواهد شد. همچنین امروزه با دسترسی مطلوبی که متخصصان و منابع آموزشی وجود دارد، بهینه‌سازی مقررات انتصاب مدیران و اصلاح اساس‌نامه آموزش عشایری چالشی حل‌نشده نخواهد بود. برای این منظور، پژوهش و مطالعه عمیق در این حوزه کارگشاست. در خصوص سنجش و پایش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، همکاری با سازمان مدارس استثنایی و برگشت هر دو اداره به آیین‌نامه‌ها و مقررات موجود و عمل بر اساس آن‌ها، تا حدود زیادی مشکلات را مرتفع خواهد ساخت. به‌طور کلی آنچه در این بخش مشاهده می‌شود، مسائل جاری سازمان مدارس عشایری هستند که راه‌حل‌های آسانی برایشان وجود دارد یا با سایر بخش‌های تعلیم و تربیت تفاوت چندانی ندارند و از راه‌حل‌های مرسوم آن‌ها می‌توان استفاده کرد.

۲. مسائل

چالش‌هایی که در این دسته قرار گرفته‌اند ابعادشان مشخص و لزوم حلشان نیز آشکار است؛ اما صرفاً روش حلشان کمی مبهم است. این چالش‌ها پیچیدگی بیشتری از بازل‌ها دارند، اما به پیچیدگی آشفتگی‌ها نیستند. برای مثال کم‌توجهی رسانه‌ها به آموزش عشایر، که عوامل و دلایل متعددی دارد، مسئله پیش‌پاافتاده‌ای نیست که بتوان بر اساس روندهای جاری و عمومی آموزش عشایری آن را حل کرد. این موضوع که ممکن است به علت شرایط خاص محیطی عشایری رخ می‌دهد، سبب کم‌توجهی دولت برای رفع مسائل آن‌ها شده است و حل آن مستلزم اراده خارج از نظام آموزشی عشایر است. نقض حقوق کودکان در آموزش عشایری، بسیار اتفاق می‌افتد که می‌توان علت آن را در فاصله طبقاتی جست‌وجو کرد. این مسئله، که به سبک زندگی عشایر مرتبط است، مسئله دشواری است که الزاماً راه‌حل آسانی ندارد. نبود دسترسی و توانایی استفاده از فناوری‌های ارتباطی در آموزش عشایری می‌تواند آن را تشدید کند. شاید علت این مسئله را بتوان به احساس نیاز محدود جامعه عشایری به فناوری‌ها منتسب کرد. به‌طور کلی کم‌توجهی رسانه‌ها به آموزش عشایری، نقض حقوق کودکان، آشنایی محدود عشایر با فناوری‌های ارتباطی، تمرکز ساختاری آموزش عشایری، زمان آموزش محدود، پایبندی کم معلمان به تعهدات، انگیزه کم نیروی انسانی، بزهکاری دانش‌آموزان، ناهماهنگی تقویم آموزشی، محدودیت منابع مالی و سایر موارد، در دسته مسائل قرار گرفته‌اند. برای حل این دسته از مشکلات، عزم و جدیت جمعی و در بسیاری از موارد، اقداماتی خارج از نظام آموزش عشایری لازم است تا این مشکلات مرتفع شود و به آموزش عشایری کمک کند.

۳. آشفتگی‌ها

ابعاد دقیق چالش‌هایی که در این دسته قرار دارند مشخص نیست و بر همین اساس، چگونگی مدیریت آن‌ها نیز پیچیده است. چالش گستردگی اسکان و آموزش عشایر یکی از این چالش‌هاست که در سبک زندگی آن‌ها ریشه دارد و موجب کم‌شدن مدارس مستقل در میان عشایر می‌شود. برای حل آن، شهرک‌سازی - به‌منزله راهبردی فرادستگاهی - بارها استفاده شده است؛ اما بر اساس ادبیات موجود در این زمینه، تبعات اقتصادی - اجتماعی آن به‌قدری زیاد بوده که در سودمندی آن تردیدهای فراوانی وجود دارد. نمونه دیگری از

آشفته‌گی‌ها که در این پژوهش مشخص شده است، کوچ بین استانی است. این مسئله موجب محدودیت زمان آموزش، ایجاد تعارض بین ادارات آموزش عشایری استان‌های مختلف، ابهام در آمار دانش‌آموزان و نیروی انسانی مورد نیاز می‌شود. گستردگی اسکان و آموزش عشایر استان، نبود اشتغال و صنعت در شهرهای اطراف، کوچ بین استانی، تنوع فرهنگی میان عشایر، محدودیت سواد اولیا در خانواده‌های عشایری، پیش‌بینی ناپذیر بودن شرایط محیطی در عشایر، شرایط جوی و صعب‌العبور بودن مناطق عشایری، فاصله طبقاتی اقتصادی عشایر با قشر شهرنشین جامعه، شیوع بیش از حد بیماری‌ها به نسبت دانش‌آموزان شهری، تنوع فرهنگی محیطی دانش‌آموزان عشایری، افت تحصیلی دانش‌آموزان، اجرانشدن برنامه‌های آموزشی، شامل محتوای درسی و آزمایش‌ها و نگاه حاشیه‌ای دولت به آموزش عشایر، فهرست آشفته‌گی‌های آموزش عشایری خوزستان است که انتظار می‌رود مدیران آموزش عشایری با استفاده از دانش و تبحر خود، آن‌ها را به گام‌ها و مسائل خرد تبدیل کنند.

۴. راهکارها

آنچه مسلم است اینکه حل مسائل فوق، چه مسائل ساده و چه آشفته‌گی‌ها، نیازمند توجه دقیق و استفاده از دانش و تجربه تخصصی است. براین اساس و با توجه به نتایج پژوهش، راهکارهای زیر به منزله رهیافت‌های مستقیم و غیرمستقیم حل چالش‌های آموزش عشایری پیشنهاد می‌شود:

۱. **اهتمام به حل مسائل مالی نیروی انسانی:** بدیهی است که وقتی انسان‌ها شغل معلمی را به منزله کسب و کار و نه به عنوان علاقه‌مندی خود انتخاب می‌کنند، مسائل مالی در درجه بالایی از اهمیت قرار می‌گیرد؛ بنابراین کم‌توجهی به این مسئله عواقب خوبی برای نظام آموزش عشایری ندارد. به همین دلیل شاید بتوان ادعا کرد که یکی از مهم‌ترین مشکلات این حوزه، مسئله تأمین مالی نیروهای آموزش عشایر است. برای حل این مسئله، به احتمال زیاد نمی‌توان چندان به اعانه‌های والدین و خیرین تکیه کرد؛ بنابراین به دلیل مزایای اجتماعی بسیار زیاد، انحصاراً دولت یا شاید در برخی موارد کمک‌های بین‌المللی راهگشای حل این مسئله باشد؛

۲. **کاهش مسئولیت‌های معلمان:** معلمان عشایر در محل آموزش نقش‌های متعددی بر عهده دارند. در حقیقت نقش مربی ورزش، مددکار اجتماعی،

نیروی قضایی، بهداشت کار و امور دیگری به صورت غیرسازمانی به معلمان عشایری واگذار شده است. بدیهی است که تحمیل این حجم از وظایف سنگین به معلمان عشایر، که عمدتاً نیروهای جوانی هم هستند، کار را برای آن‌ها دشوار خواهد کرد؛ بنابراین ضرورت استفاده از نیروهای باتجربه و افرادی که عشق و علاقه زیادی به این امور دارند، لازم است در دستور کار قرار بگیرد؛

۳. **اصلاحات اساسی:** در موارد بسیاری مانند شیوه‌های تعیین مدیر و راهبر، نحوه ارتباط آموزش عشایر با سایر نهادها، اصلاح اساسنامه آموزش عشایری، چاره‌های اندیشیده شود. این مسائل زینده نظام تعلیم و تربیت در قرن بیستویکم نیست. به عبارتی با هم‌فکری و اجتماع متخصصان این مسئله باید حل و فصل شود. گرچه می‌دانیم این حل، آخرین گام اصلاحات در این حوزه نیست، اما می‌تواند برای حال حاضر مفید و سودمند باشد؛

۴. **توجه به مقوله دشوار فرهنگ:** فرهنگ مقوله بنیادی است که تغییر در آن نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدت است و بی‌توجهی به آن آثار منفی زیان‌باری خواهد داشت. تغییرات فرهنگی از تغییر در مصنوعات شروع شده و تغییر در ژرف‌ساخت فرهنگی پیچیده‌ترین تغییرات است. توجه به این نکته اهمیت دارد که بدانیم هر مسئله در کدام لایه فرهنگی ریشه دارد؛

۵. **غنی‌سازی تخصص:** برنامه آموزش معلمان عشایری به بازنگری و به‌روزرسانی نیاز دارد. این مسئله شاید بتواند بسیاری از مشکلات این حوزه را مرتفع کند. امروزه تربیت نیروی انسانی برای بخش‌های مختلف آموزش و پرورش تخصصی شده و نمی‌توان مانند گذشته انتظار داشت که آموزش یکسان برای همه، به تخصص‌های متنوع در نظام آموزشی منجر شود؛

۶. **طراحی و گسترش استفاده از بستر الکترونیکی برای انجام امور در بین عشایر:** این مسئله شاید یکی از راهکارهایی باشد که با ابعاد فرهنگی، اجتماعی، زیرساخت و ... ارتباط مستقیم و غیرمستقیم دارد. در نهایت این امر بسیار پیچیده، یعنی حضور زندگی الکترونیکی، باید در بین عشایر عملیاتی شود. امروزه حضور در دنیای مجازی به‌مثابه بخشی از جامعه و دولت ضرورت دارد و نمی‌توان بخش بزرگی از اجتماع را به هر دلیلی از چرخه زندگی عادی خارج کرد.

ملاحظات اخلاقی

در مطالعه حاضر، مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها، با رضایت و آگاهی کامل اعضای نمونه تکمیل شد.

● حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر با گرنت اعطایی دانشگاه شهید چمران اهواز تأمین شده است.

● مشارکت کنندگان

در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به‌عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبردی روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را بر عهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرآیند گردآوری، تحلیل و تفسیر یافته‌ها و نگارش متن مقاله را بر عهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به‌صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، به‌عنوان استاد مشاور پایان‌نامه، انجام شد.

● تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت کنندگان امکان پذیر نبود؛ بدین‌وسیله از کلیه مشارکت کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

منابع REFERENCES

- آقازاده، احمد. (۱۳۸۷). مسائل آموزش و پرورش ایران (چاپ چهارم). انتشارات سمت.
- بهراری بابادی، لهراسب. (۱۳۹۶). شناسایی چالش‌های آموزشی کلاس‌های چندپایه عشایری شهرستان لالی در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران]. ایرانداک.
- حیدرزادگان، علیرضا، و صندوقداران، محمدحسین. (۱۳۹۶). فرصت‌های آموزشی دانش‌آموزان عشایر استان سیستان و بلوچستان. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۷(۱)، ۱۷۵-۱۵۹. <https://doi.org/10.22080/eps.2017.1725>
- دهقانی، سعیده. (۱۳۸۶). بررسی فرصت‌های آموزشی در استان فارس در برنامه‌های دوم و سوم توسعه [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان]. ایرانداک
- رحیمی پردنجانی، یعقوب، شفیعی سروستانی، مریم، جهانی، جعفر، و محمدی، مهدی. (۱۳۹۹). واگوی شایستگی‌های معلمان عشایر کوچنده: مطالعه پدیدارشناسانه. مجله پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۷(۲)، ۶۱-۳۹. <https://doi.org/10.30486/jsr.2020.1901137.1655>
- سازمان امور عشایر ایران. (۱۴۰۲). جمعیت عشایر کوچنده کشور. [/https://ashayer.ir](https://ashayer.ir)
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ایران. <https://sccr.ir/Files/6609.pdf>
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۳). اساس‌نامه مدارس عشایری، نهصدو هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش. <https://www.sce.ir/>
- صادقی فسایی، سهیلا، و عرفان منش، ایمان. (۱۳۹۸). مبانی روش پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی. مجله راهبرد فرهنگ، ۲۹، ۹۱-۶۱. https://www.jsfc.ir/article_15066.html
- ظهرابی، فهیمه. (۱۳۹۵). بررسی برابری فرصت‌های آموزشی در دوره دوم متوسطه در بین مناطق آموزشی استان لرستان در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵ [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه محقق اردبیلی]. ایرانداک
- عبدلی، مصطفی. (۱۳۹۴). چالش کوچ عشایر و مدارس عشایری. فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۳(۵)، ۲۲-۵. <http://dx.doi.org/10.18869/acadpub.cstp.3.5.5>
- علاقه‌بند، علی. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. نشر روان.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۴). آیین‌نامه ساماندهی عشایر، شماره ۱۸۶۸۸ ت ۳۲۴۶۷ ه. <https://rc.majlis.ir/>
- مؤمنی‌راد، اکبر، علی‌آبادی، خدیجه، فردانش، هاشم، و مزینی، ناصر. (۱۳۹۲). تحلیل کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و نتایج معتبر. فصلنامه علمی پژوهشی اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۲۲۲-۱۸۸. https://jem.atu.ac.ir/article_92.html
- میرزایی، خلیل، زارعی، امین، و ورزنده، فرزاد. (۱۳۹۶، ۵ دی). عوامل مؤثر بر وندالیسم در مدارس متوسطه شهر مریوان [مقاله ارائه‌شده در کنفرانس]. کنگره بین‌المللی علوم اسلامی، علوم انسانی، تهران، ایران. <https://www.sid.ir/paper/896721/fa>
- هواسی‌زاد، مریم. (۱۳۹۷). فرهنگ آموزش در عشایر کوچ روز: تجارب زیسته معلمان عشایری از تدریس و دلالت‌های آن برای طراحی برنامه درس [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی تهران]. ایرانداک.

Aliyu, M. A. (2019). Performing curriculum for nomadic teacher education in Nigeria. *Journal of Education and Leadership Development*, 11(1), 27-41.

<https://www.cenresinournals.com/wp-content/uploads/2020/01/PAGE-27-40-1239.pdf>

Ayiro, L. P., & Sang, J. K. (2016). Provision of Education to the 'Hard to Reach' Amidst Discontinuity in Nomadic Communities in Kenya. *FIRE: Forum for International Research in Education*, 3(3), 32-45.

<http://dx.doi.org/10.18275/fire201603031070>

- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L. (2011). *Designing and conducting mixed methods research* (2nd ed.). Sage.
- Ezeomah, C. (2002). *Distance education for nomads: Reading on distance education for the pastoral nomads of Nigeria*. Ahmadu Bello University (ABU) Press Limited.
- Farhadi Rad, H., Parsa, A., & Rajabi, E. (2020). Employability of Iranian engineering graduates: Influential factors, consequences, and strategies. *Journal of Teaching and Learning for Graduate Employability*, 11(1), 110-130. <https://doi.org/10.21153/jtlge2020vol11no1art935>
- Kakonge, E. (2006). Incorporating nomadic education delivery within education sector plans in Kenya. In *forum on flexible education, reaching nomadic populations in Africa* (pp. 65-67). Commonwealth of Learning and Commonwealth Secretariat.
<https://oasis.col.org/server/api/core/bitstreams/698b22c6-fbc4-4761-a393-545347c122cd/content>
- Maxwell, J. A. (2012). *Qualitative Research Design: An Interactive Approach* (3 ed.). Sage Publications, Inc.
- Patton, M. Q. (2014). *Qualitative research & evaluation methods* (4th ed.). Sage.
- Pidd, M. (2009). *Tools for thinking: modelling in management science* (3rd ed). WLY.
- Tekle, T., Njihia, M., Ogeta, N., & Habtu, M. (2015). Contribution of complementary elementary education towards the transition of nomadic pupils from non-formal to middle school education in Habero Sub-Zone, Eritrea. *Journal of Education and Practice*, 6(24), 71-79.
<https://www.iiste.org/Journals/index.php/JEP/article/view/25354>

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> 1. Ezeomah 2. Kakonge 3. Ayiro & Sang 4. Aliyu 5. Tekle 6. Creswell & clark 7. Maxwell 8. Patton | <ol style="list-style-type: none"> 9. Stratified purposeful sampling 10. MAXQDA 2020 11. Smart PLS 3 12. Michael Pidd 13. Fornell-Larcker discriminant validity 14. SSO 15. SSE 16. $Q^2 (=1-SSE/SSO)$ |
|---|---|